

## آب های آزاد

آب هایی که بدون محصول، همه کشورها در آن حق دارند.  
پښتو: [آزادی اوبه]

## آتوپسی (معاینه جسد)

معاینه عدلی طبی یک جسد بمنظور تعیین علت مرگ.  
پښتو: [آتوپسی (د جسد معاینه)]

## آثار ازدواج

نتایج، صلاحیتها و حقوق مخصوص و یا مشترک بین زوجین که بمجرد انعقاد عقد ازدواج صحیح و نافذ، به وجود میاید.  
پښتو: [د ازدواج آثار]

## آثار استیناف خواهی

آثاری که به مجرد استیناف خواهی مرتب میگردد.  
پښتو: [د استیناف غوښتنې آثار]

## آثار انگشت

انعکاس خطوط سر انگشت در جسم حامل، که باعث تشخیص هویت اشخاص از همدیگر گردیده و در ساحه تحقیقات جنایی در خور اهمیت میباشد.  
پښتو: [د کټو اثرونه]

## آثار باستانی

اشیایی که از دوره های قدیم باقیمانده و حایز ارزش مادی و معنوی برای یک کشور و یا جهان باشد.  
پښتو: [باستانی آثار]

## آثار تاریخی

اشیای دارای قدامت تاریخی.  
پښتو: [تاریخی آثار]

## آثار تقادم

سقوط دعوی جزایی که فعل جرمی ارتکاب یافته قابل محاکمه نمیباشد.  
پښتو: [د تقادم آثار]

## آثار سمعی و بصری مبتذله

آثاری که دارای صحنه ها و تصاویر قبیحه بوده و مضمون مخالف شریعت و قانون را تبلیغ نماید.  
پښتو: [مبتذل سمعی او بصری آثار]

## آثار عقد

تمام وجایب که بعد از انعقاد عقد بالای متعاقدين لازم میگردد.  
پښتو: [د عقد آثار]

## آثار مرور زمان

سقوط دعوی جزایی که عمل جرمی ارتکاب یافته غیر قابل مجازات محاسبه میگردد، اما مجرمیت فعل مذکور در آینده بحال خود باقی میماند.  
پښتو: [د وخت د تېرېدلو آثار]

## آثار ملی

آثار سنتی، تاریخی و باستانی منقول و غیر منقول، که در دوره های تاریخی بوجود آمده است.  
پښتو: [ملی آثار]

## آجام

درختان خود روئست که در حکم مباح و قابل حیات برای عموم مردم میباشد مشروط بر اینکه در ملکیت شخص خاص (مملوکه شخصی) نروئیده باشد.  
پښتو: [آجام]

## آجر

شخصیکه مالی را به اجاره میدهد.  
پښتو: [آجر]

## آجندای قضایی

ثبت موضوع یا موضوعات کار محکمه.  
پښتو: [قضایي آجندا]

## آخرین دفاع در محضر محکمه

اظهار و دفاعی که متهم در آخرین فرصتی که از طرف محکمه در اختیار او گذاشته میشود، در برابر اتهام نسبت داده شده، ابراز میدارد.

پښتو: [دروستی دفاع د محکمی په مخه]

## آداب عامه

موازين پذیرفته شده اجتماعی که رعایت آن مطابق قانون، عرف و عادات میان مردم در هنگام اجرای یک تعهد حقوقی و سایر مناسبات اجتماعی لازم است.

پښتو: [عامه آداب]

## آداب قاضی

اخلاق جمیله قاضی و خصوصیات حمیده او با مردم.

پښتو: [د قاضی آداب]

## آرشیف

محلّی که در آن اوراق و اسناد رسمی بطور منظم نگهداری میشود.

پښتو: [آرشیف]

## آزادی دلیل

حالتی که جرایم با هر نوع دلیل قابل اثبات باشد.

پښتو: [د دلیل آزادی]

## آزادی سیاسی

حقی که به اساس آن هر فرد میتواند به اراده و رضایت خود بدون مداخله دیگری در مطابق به احکام قانون آزادانه انتخاب شود یا انتخاب نماید.

پښتو: [سیاسی آزادی]

## آزادی عقیده

آزادی ایکه هر کس میتواند، هر عقیده ای را که میخواهد اختیار نماید.

پښتو: [د عقیدې آزادی]

## آزادی فردی

آزادی ایکه بر مبنای آن هر شخص در هر موردی که خواسته باشد؛ بنا بر تصمیم خود اقدام کند.

پښتو: [فردی آزادی]

## آزادی قرارداد

حقی که بر اساس آن یک فرد میتواند هر گونه قراردادی را که نفع شخصی او اقتضا کند، عقد نماید، مشروط بر اینکه مخالف احکام قانون نباشد.

پښتو: [د قرارداد آزادی]

## آزادی موقت

آزادی محدود که با اساس حکم محکمه ذیصلاح در مطابقت با احکام قانون به محکوم اعطا گردیده و قابل سلب میباشد.

پښتو: [موقته آزادی]

## آسیب

زیانی که بطور قصدی یا در اثر اهمال و یا عامل طبیعی و غیر طبیعی بر انسان، حیوان و یا هر شیء دیگر وارد گردد.

پښتو: [آسیب]

## آشوبگر

شخصی که مردم را به آشوبگری دعوت نماید. (رجوع شود به آشوبگری).

پښتو: [اله گوله]

## آشوبگری

حالتی که آشوبگر با استفاده از وسایل علنی، نظم عامه را اخلاص مینماید. (مراجعه شود به آشوبگر).

پښتو: [اله گوله اچوونکی]

## آغاز مدت اجاره

مدت اجاره از تاریخی که در عقد تصریح میگردد، آغاز میشود.

پښتو: [د اجارې د مودې پیل]

## آفات سماوی

حوادث مصیبت بار غیر مترقبه طبیعی

پښتو: [آسماني آفتونه]

## آلات جارحه (جاریه)

وسایل معمولی و عادی که در ارتکاب جرم از آن استفاده بعمل آمده و باعث جرحه میگردد.

پښتو: [جارحه آلات (جاریه)]

## آمر اعطای درجه اول

شخصی که در رأس واحد اول بودجوی قرار داشته و صلاحیت منظوری قطعی مصارف را طبق احکام قانون دارا میباشد.

پښتو: [د اعطا لومړی درجه آمر]

## آمر اعطای درجه دوم

شخصی که در رأس واحد دومی بودجوی قرار داشته و صلاحیت منظوری مصارف را طبق احکام قانون دارا میباشد.

پښتو: [د اعطا دوؤ یمه درجه آمر]

## آویز

در معاملات تجارتي و بانکی مقصد از کاربرد این کلمه معلوماً نیست که راجع به فرستادن اموال یا کدام موضوع دیگر مربوط معاملات تجارتي بطرف مقابل داده می شود.

پښتو: [آویز]

## آیسه

زنی که فطرتاً معتاد به سپری نمودن عادت ماهوار زنانه (حیض) نباشد.

پښتو: [آیسه]